

- مراکز بافندگی در عهد صفوی

هنر در دوره صفوی به چهار دوره قابل تقسیم است

الف- هنر دوره شاه اسماعیل ← ساختار هنری عهد صفوی را پایه ریزی کرد.

ب- هنر دوره شاه طهماسب ← خود هنرمند بود و هنر صفوی را در کشورهای همسایه و دنیا مطرح و گسترش داد.

ج- هنر دوره شاه عباس ← هنر را تجاری سازی و درآمد زا کرد.

د- هنر دوره شاهان پسین صفوی

مراکزی که به سرعت در نساجی رشد و پیشرفت کردند

در مرکز: قم + ساوه در جنوب: کاشان + اصفهان در شمال: تبریز

با این حال منطقه ای مثل خراسان که از مکتب هرات رشد یافته بود از بین نرفت، اما هرگز شهرت قرن نهم را نیافت. + اگرچه تا مدت ها مخمل های شرقی (مخمل های خراسان) در بازار های جنوب از شهرت زیادی برخوردار بود.

اقدامات شاهان صفوی برای گسترش نساجی

الف- احیا رنگرزی ب- تجارت ابریشم ج- صادرات پارچه د- گسترش بافت در مناطق غیر بافتی

صادرات پارچه زمینه هایش در عهد شاه طهماسب و اجراش در عهد شاه عباس انجام شد.

بزرگترین مشکل صادراتی نساجی ایران: تحریم اقتصادی و توقیف کاروان های صادرات از ایران به غرب برای عبور از خاک عثمانی

بزرگترین مصرف محصولات نساجی در داخل کشور نیز ارتش و ساماندهی های مربوط به آن می باشد.

ابریشم

الف- سیاست صفویه در خصوص ابریشم

شاه عباس بازرگانان را از واردات ابریشم از دیگر کشورها منع کرد + تهیه ابریشم برای کارخانجات نساجی صرفاً می بایست از دولت صورت می گرفت + با انجام این کار تجارت و درآمد آن در اختیار دولت بود + نظارت بر کیفیت ابریشم دولتی نیز توسط دولت صورت می پذیرفت + دولت مامور خرید ابریشم و پيله داشت + آنها به صوت نقد ابریشم و پيله را خریداری می کردند + ماموران دولتی وظیفه داشتند ابریشم خریداری شده (یا پيله خریداری شده) را طبقه بندی نمایند + براساس دستور العمل سهم بندی ابریشم خریداری شده، ۱/۳ ابریشم متعلق به کارگاه های دربار بود و مابقی با لحاظ کردن سوبسید به بافندگان فروخته می شد + دادن سوبسید توسط دولت روی ابریشم سبب می شد تا قیمت آن در سطحی مشخص کنترل شود.

ب- مالیات دربار بر ابریشم

دو مالیات توسط شاه بر ابریشم وضع شده بود؛

۱- مالیات سنگین برای صادرات ابریشم خام (۱۲ تومان برای هر بسته کلاف)

۲- مالیات سنگین برای واردات ابریشم خاص (۴ تومان برای هر کلاف)

پس اگر تولید ابریشم داخل کاهش می یافت، امکان واردات ابریشم بود اما قیمت تمام شده محصول ابریشمی به شدت بالا می رفت.

ج- واگذاری تجارت ابریشم به ارامنه (ماموران خرید و فعالان زیر نظر ابریشم در دربار صفوی)

بزرگترین عمل شاه در خصوص بحث ابریشم ← واگذاری تجارت ابریشم صرفاً به ارامنه بود.

دلایل این واگذاری (دادن تجارت ابریشم به ارامنه) عبارتست از:

الف- ارامنه اقلیت بودند، پس هر موقع که شورش می کردند شاه می توانست به راحتی آنها را کنترل و سرکوب نماید.

ب- ارامنه از فشار و محدودیت های عثمانی به تنگ آمده بودند و شاه آنها را از ارمنستان نجات داده بود، پس خود را مدیون او می دانستند.

کلیسا اچمیادزین دارای تصویر نقش برجسته چهره او و استقبال از ورود او به ارمنستان برای نجات و رهایی از دست عثمانی ها بود. ج- ارامنه از محل زندگی خود کوچانده شده بودند و شاه آنها را در مکان هایی خاص مستقر کرده بود. بنابراین کسی را نداشتند که با آنها متحد شوند.

د- فضای کشور را شاه به گونه ای تنظیم نموده بود که کسی از مسلمانان جایز نبود (مکروه بود) که با غیر مسلمانان رفت و آمد کند.

د- اتفاقات رخ داده در روند تجارت ابریشم

۱- از سال ۱۰۰۷ هجری قمری (شاه عباس) تمامی نواحی جنوبی دریای خزر که مناطق اصلی پيله کرم ابریشم بود در اختیار دولت قرار گرفت.

۲- شاه عباس برای سهولت در تجارت ابریشم، حمل و نقل را مطمئن + احداث جاده + احداث اروانسرا را پایه گذاشت.

۳- شاه عباس واردات ابریشم را جز در موارد خاص و کسر تولید ممنوع کرد.

۴- دولت به شدت بازرگانان و عمال ارمنی تجارت ابریشم را کنترل می نمود.

۵- مسیر تجارت ابریشم از بورسا در استانبول به آستاراخان در روسیه امروزی تغییر کرد.

۶- اولین بار شاه عباس (۱۰۱۲ هجری قمری) توانست از طریق دریا پارچه های ابریشمی ایران را به لیسبون پرتغال برساند (دور زدن دماغه امید نیک) + برای معرفی و بازاریابی ابریشم ایران (شاه تهماسب و عباس چنین کارهای فرهنگی

۷- در سال ۱۰۳۹ هجری قمری بالاخره امتیاز انحصاری دربار درباره خرید و فروش ابریشم خام لغو شد + در این سال ها پرورش دهندگان ابریشم اعتراض ها و شورش هایی را انجام دادند.

۸- جمعیت پرورش دهندگان تخم نوغان در جنوب دریای خزر ۱/۳ کل جمعیت آن حوزه بوده است.

۹- فقط در کاشان بیش از ۱۰۰۰ دستگاه ابریشم بافی (زری بافی) مستقر بوده است

ه- جایگاه اقتصادی ابریشم در عهد صفوی

ابریشم اصلی ترین کالای تجاری ایران بود (مثل نفت در زمان حاضر) + کل تولید ابریشم در سال ۱۲۰۸ هجری قمری حدود ۱.۳ میلیون کیلوگرم بوده است + از این میزان ۱/۳ در بافت فرش و مابقی در بافت پارچه مصرف می شده است + ۲۵ سال بعد تولید ابریشم ایران ۵۰٪ افزایش یافت + با این حال بیشترین میزان تولید ابریشم در سال ۱۰۸۱ هجری قمری برابر با ۲.۷ میلیون کیلوگرم ثبت شده است.

و- انواع ابریشم ایران

ب- شیروانی (همان گجین یا ابریشم پيله شکسته + ابریشم ارداس (انگلیسی))

الف- شعراباف (ابریشم مرغوب)

ز- محدودیت های تجارت ابریشم

عثمانی برای توقف صادرات ابریشم ایران محدودیت ها و تحریم هایی وضع نموده بود + حتی زمانی که این محدودیت ها و تحریم ها برداشته شد، مالیات های سنگین بر واردات کالاهای ابریشمی ایران به عثمانی وضع شد + شاه عباس از آرامنه استفاده کرد تا آنها با ارتباط با هم کیشان خود مسیر تجارت ابریشم به غرب را به جای عثمانی از آستاراخان و قفقاز دنبال کنند.

ح- ابریشم بورسا

بورسا مرکز ابریشم عثمانی بود + بورسا در مسیر کاروان های تجاری ابریشم ایران به غرب هم بود + بنابراین به ابریشم تولیدی عثمانی لطمه می زد + تغییر مسیر از عثمانی به آستاراخان قیمت ابریشم ایرانی در بازار های غربی تا ۴ برابر افزایش داد + صادرات ابریشم خام با این وضعیت مقرون به صرفه نبود + پس بنابراین مقرون به صرفه ترین کالاهای صادراتی ابریشمین ایران به غرب شامل پارچه ها و فرش های بسیار نفیس و مرغوب می شد.

ت- شورش تولیدکنندگان ابریشم

در سال ۱۲۹۶ هجری قمری نوغان داران ابریشم در گیلان علیه خریداران تام الاختیار دربار ابریشم شورش کردند + شورش نوغانداران می توانست فراگیر شود و مشکلات زیادی را برای دولت به وجود آورد + جمعیت کشور در آن زمان ۸ میلیون نفر بود و از این میزان ۳ میلیون نفر مستقیم و غیر مستقیم با تجارت ابریشم سر و کار داشتند + پس دولت بلافاصله با اکثر درخواست های نوغان داران موافقت کرد و شورش را کنترل نمود + از این جمله درخواست های موافقت شده، برداشتن حق انحصاری دولت در خرید ابریشم بود.

نظام صنفی پارچه بافان و نساجان صفوی

هریک از اصناف در حوزه نساجان یک نظام صنفی داشتند + نظام صنفی قیمت ها را به صورت ماهیانه تعیین می نمود + در پایان هر سال قیمت ها بازنگری اساسی می شدند.

در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی ← ۳۳ صنف در بازار وجود داشت که ۸ صنف آن در ارتباط با پارچه بود.

الف- زری بافان ← بزرگترین صنف نساجان + هر کارگاه بین ۲۰ تا ۳۰ کارگر داشت.

ب- قلاب دوزان ← منظور کسانی است که دوخت های تزئینی را انجام می دادند + عمدتاً شامل دوزندگان است.

ج- شال بافان ← منظور بافندگان پارچه های پشمی سبک و سنگین است.

د- رنگرزان و باسمه کاران ← منظور از باسمه کاران آنهایی است که در زمینه چاپ پارچه فعال بودند.

ه- جولابافان ← منظور بافندگان پارچه های پنبه ای سبک است.

و- پالان دوزان ← منظور دوزندگان پالان و یا چادر می باشد.

ز- براق فروشان ← منظور تولید کنندگان انواع تزئینات دوختی مورد استفاده قلاب دوزان است.

ح- زیلو بافان و حصیربافان ← منظور تولید کنندگان احرامی و زیلو و حصیر های تولیدی با الیاف ساقه ای است.

لازم به توضیح است که صنف خیاطان و خرازان (تولید البسه) در این زمینه منظور نشده است + هر صنف علم یا نشان و پرچم مخصوص به خود را داشت + شاردن، جهانگرد و بازرگان فرانسوی، اشاره کرده است که در بازار آن قدر کارگز ماهر وجود داشت که بسیاری از کارگاه ها از کارگر های روزمزد یا اصطلاحاً مزدور استفاده می کردند و اساساً نظام کارگری قدرتمندی وجود نداشت.

کارگاه های نساجی دربار

کارگاه های اصلی دربار در دو شهر کاشان + اصفهان قرار داشت. چیزی شبیه دارالطراز

با این حال کارگاهی مراکز هر استان و کارگاه های داخل قصر نیز پارچه های مصرفی را تولید می کردند.

بودجه سالیانه کارگاه های درباری % ۱۴ از کل بودجه کشور بود.

سرپرستی کارگاه ها با دو مامور منصوب دربار بود که زیر نظر آنها الف- استادکار

ب- سرکارگر قرار داشت.

مسئول انتخاب طرح پارچه

مسئول بافت پارچه

استادکار منحصر ایرانی الاصل یا مسلمان نبودند. برخی از اسرا خارجی و جنگی هم می توانستند استادکار باشند + استادکاران در استخدام دولت بودند و حدود ۵۰۰۰ نفر بودند + به این استادکاران اصطلاحا داربسته می گفتند + حق بیکاری و هر سه سال پاداش از دیگر مزایای آنان بود + داربسته ها موظف بودند به هیچ وجه کاری خارج از دربار نپذیرند + هیچ ارتباطی بین استادکار درباری و استادکار اصناف شهر نمی بایست وجود داشته باشد + از اواسط قرن هفدهم میلادی این نظم بهم می ریزد و در نتیجه برخی از کارگاه های درباری تعطیل می شوند + وظیفه دربار تامین مواد اولیه مرغوب بود.

مهمترین ویژگی های انواع پارچه های ابریشمی

کاشان و یزد همه انواع پارچه های ابریشمی را تولید می کردند. این پارچه ها را به دو دسته موج دار و مخمل (پرز دار) تقسیم می کردند. + کاشان و یزد پارچه های پنبه ای هم تولید می کردند.

عرض بافته ها بین ۶۰ تا ۷۰ سانتی متر و طول آنها تا بیش از ۶ متر هم می رسید + پارچه های عریض تر خیلی معمول نبود + مخملها هرگز بیشتر از ۷۰ سانتیمتر عرض نداشتند + پارچه های ابریشمی موج دار خواستار بیشتری نسبت به پارچه های مخمل داشتند.

شاردن بهترین پارچه های ابریشمین صفوی را متعلق به کاشان دانسته است + او بهترین پارچه های زربافت را متعلق به اصفهان و خراسان دانسته است + گفته شده است بیش از ۱۰۰ نوع مختلف پارچه های ابریشمی در ایران تولید می شده است.

کاشان

تمام ثروت و منبع درآمد و امرار معاش کاشان از پارچه های ابریشمی بوده است + بیشترین پارچه تولیدی در کشور متعلق به کاشان بوده است.

در کاشان ساتن + مخمل + تافته + ابریشم موج دار + زری + شعر تولید می شده است.

شعر کاشان

شعر به عنوان شال کمر (همیان) و بعضا دستار سر استفاده می شده است + طول شعر بین ۴ تا ۵ متر و عرض آن ۶۰ سانتیمتر بوده است + شعر بافی هنوز هم در کاشان رواج دارد + شعر بافته ای ابریشمی است که بر روی دستگاه چهار وردی و با طرح های راه راه تولید می شود + شعر بعدا گلابتون دوزی یا نرده دوزی می شده است + پارچه های شعر به کشورهای غربی هم صادر می شده است.

رنگ در بافته های درباری

صفویه نیز مانند سایر حکومت های اولیه اسلامی دارای رنگ خاص بوده اند + کلاه قرمز از عهد شیخ حیدر صفوی (جد شاه اسماعیل) مرسوم شد + کلاه قزلباشی دارای دوازده تاخوردگی با یک پر در میان بوده است که نشانی از تعصب به شیعه دوازده امامی می باشد + شاه هرگاه لباس قرمز می پوشید نشان از عصبانیت او بود و کسی سراغ او نمی

رفت (آن روز قطعا کسی را می کشت) + شاه اسماعیل پس از شکست چالدران تا مدت ها پرچم ارتش را سیاه نگه داشت + برخلاف عثمانی ها رنگ سبز در مناسبات صفوی از ارزش بالایی برخوردار نبود.

فرم در لباس های درباری

ماموران بلند پایه صفوی می بایست ردا پوشیده و تزئینات پر نقش و نگاری دور یقه داشته باشند + این یقه اصطلاحاً یقه مینگ چینی نامیده می شد + تزئینات با نخ ها گلابتون و نقده روی البسه انجام می پذیرفت.

شافعی مذهب - سنی

شیخ صفی الدین اردبیلی

(عارف قرن ۷)
(شافعی مذهب)
(فرمانروایان آذربایجان)

شیخ صدرالدین
(تا ۷۹۴ هجری)

خواجه علی
(تا ۸۳۰ هجری)

شیخ ابراهیم صفوی
(تا ۸۵۱ هجری)

شیخ جنید صفوی
(خواهر اوزون حسن)
(در جنگ با ازبک ها گسسته شد)
(تا ۸۶۴ هجری)

شیخ حیدر صفوی
(دختر اوزون حسن)
(در جنگ با ازبک ها گسسته شد)
(تا ۸۹۳ هجری)

شیعه اثنی عشری

شاه اسماعیل صفوی

مادر او دختر اوزون حسن - عالم شاه بیگم - بود
او تنها چهارده سال داشت که به رهبری صفویان برگزیده شد
او در ۹۰۷ تبریز را فتح و سلسله صفوی را بنیان نهاد

امپراتوری یونانی تراپوزان

آق قویونلو

شیوخ صفوی اردبیل

ماریا کمنن

کوتلو

شیخ صفی الدین اسحاق
۶۵۰-۷۳۵ هجری

قره عثمان
۸۳۹-۸۰۶ هجری

علی

اوزون حسن
۸۸۲-۸۶۲ هجری

خدیجه بیگم

جنید

یعقوب

مقصود

حلیمه

اسماعیل
۹۲۱-۹۰۷ هجری

حیدر

رستم



یقه مینگ

در چین حلقه ای که دور گردن یا شانه را بگیرد را می بافتند و سپس پارچه هایی که بصورت ابری برش خورده و بر روی آن ها قلاب دوزی شده به آن متصل می گردید + این پوشش تزئینی عمدتاً برای لباس خردسال (عمدتاً پسر بچه) مورد استفاده بوده است تا برای او داشتن آتیه ای خوب آرزو گردد + این لباس در قرن نوزدهم در چین رواج گسترده ای می باید. به هر روی می دانیم که ابر در چین از نمادهای مرتبط با اژدها بوده و نشانه ای از خیر و برکت و به همراه آوردن آب و آبادانی است + پرتوی غبار آلود از نور + روزنه بهشت.

میزان تولید بافته های درباری

شاه طهماسب روزی ۵۰ بار ردا خود را عوض می کرده است + در زمان مرگ شاه طهماسب بیش از ۳۰ هزار جامه (غیر از عمامه) + از او باقی مانده است + در زمان سقوط شاه سلطان حسین صفوی نیز به همین میزان پارچه از او باقی مانده بود + گفته می شود این پارچه ها برای پوشش ارتشی ۱۰۰ هزار نفری کافی بوده است.

میزان پارچه های صفوی این قدر زیاد بوده است که هر هفت سال یک بار صندوقخانه دار دربار پارچه های اضافی را جمع کرده و می سوزاندند و پارچه نو تهیه می نمودند + از پارچه های سوخته طلا و نقره را خارج و مجدداً احیا و استفاده می نمودند + در زمان زندیه، کریمخان زند با استفاده از همین شمش های بدست آمده از پارچه های سوخته پلیسی ۲۵۰۰ نفره برای حفظ نظم شهر شیراز ایجاد کرد.

آیین خلعتی دربار صفوی

در نوروز خلعت داده می شد + خلعت دادن آیین نامه و آدابی داشت که در کتاب تذکره الملک ذکر شده است + براساس این آیین نامه، تصمیم شاه برای خلعت دادن توسط وزیر اعظم ثبت و سپس به مامور خرید پارچه ابلاغ می شد + پس از خرید پارچه، آن را به خیاط خانه تحویل می دادند + منجم ساعت خوش یمنی را برای برش پارچه تعیین می کرد و سپس در آن ساعت برش پارچه انجام می شد.

پارچه های زربافت برای خلعتی به ماموران عالی رتبه + پارچه های ابریشمی موج دار برای ماموران درجه دو + ماموران خرده پا خلعتی پشمی یا پنبه ای دریافت می کردند .

در اوج بحران اقتصادی صفوی نیز آیین خلعتی حذف نشد و سالیانه دوازده هزار جامه خلعتی اهدا گردید.

خصوصیات هنر در دوره شاه اسماعیل صفوی

مکتب تبریز ۲ ←

۱- شاه اسماعیل صفوی ۲۲ سال سلطنت کرد. این سلطنت طولانی امکان حمایت از هنر و صنایع را بوجود آورد

۲- به دلیل تحت تعلیم بودن شاه اسماعیل در خاندان ترکمان، تاثیر هنر ترکمان در صنایع و هنر دوره او مشهود است

۳- شاه اسماعیل حمایت از هنر را در دو شهر مطابق با دیدگاههای دو شاه پیشین ادامه داد

الف- هرات / سلطان حسین بایقراء تیموری

ب- تبریز / سلطان یعقوب آق قویونلو

شاه اسماعیل با تخلص "خطایی" به زبان ترکی شعر می سرود

سایه و روشن در رنگ پارچه های صفوی

از رنگ های مورد علاقه ایرانیان در البسه به گزارش یک بازرگان انگلیسی می توان به؛ قرمز آتشین، سبز تند، صورتی ملایم، نارنجی، بنفش کم رنگ و خاکستری اشاره کرد + پارچه های صفوی برخلاف پارچه های عثمانی رنگ پریده بودند + رنگ های روشن با خطوط بیرونی که بسیار تیره هستند، محدود می شوند + بعد ها رنگ گل بهی + سبز کم رنگ + آبی کم رنگ جایگزین رنگ های تند و آتشین شد + در قرن یازدهم هجری قمری، رنگ نفتی که رنگ روغن باکو معروف بود، رایج شد اما سریعاً فروکش کرد.

تکنیک رنگ در پارچه های صفوی

برای بکار بردن تنوع رنگی تا ۳۰ ماکو جهت بافت تهیه می گردید + عرض متعارف پارچه های ابریشمی ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر بود + عرض پارچه های مخمل کمی بیشتر از پارچه های معمول بود + پارچه های مخمل معمولی ۳ رنگ و پارچه های ابریشمی اعلا تا ۸ رنگ نیز بوده اند.

کاربرد نقوش حیوانی و انسانی در بافته ها

پارچه های صفوی برخلاف پارچه های عثمانی دارای نقوش حیوانی و انسانی بوده اند + بیشتر پارچه ها با نقوش انسانی و حیوانی در کاشان بافته می شد + با گسترش مکتب هنری اصفهان این پارچه عمدتاً در اصفهان پایتخت تولید شد + در نمونه هایی از این پارچه ها قلم رضا عباسی و یا شاگردان او نیز قابل مشاهده است.

طرح پارچه های ابریشمی صفوی

طرح و نقش پارچه های صفوی را می توان به شش گروه مختلف تقسیم کرد

الف- پارچه های برگرفته از اساطیر و ادبیات ایران

در این پارچه ها عمدتاً نقوش شکارگاهی + اژدها + مجالس بزمی + تمثیل از ادبیات و یا مفاهیم فلسفی دیده می شد + این پارچه ها عمدتاً در لباس های سلطنتی و قزلباشان رده بالا بکار برده می شد.

ب- پارچه های با اشکال تکراری ساده و کوچک

در این طرح ها ریتم و حرکت در نقش وجود ندارد + بطور مثال در این طرح ها پیکره های انسانی به صورت نشسته یا سوارکاران به طور یک در میان با درختان نقش شده اند + این نوع از پارچه ها عمدتاً توسط افراد عامی جامعه استفاده می گشتند

ج- پارچه هایی با ردیف های عمودی یا افقی

برای این کار نقشمایه ها بصورت یک در میان معکوس می شوند و گاهی اوقات به دلیل چرخش نقوش به نظر می رسد که چهار طرح متفاوت نقش شده اند + این پارچه ها با طول های بلند (تا حدود ۲ متر) ایجاد می شوند.

د- پارچه هایی که در آن ها نام بافنده ذکر شده است

۱۲ پارچه از دوره صفوی وجود دارد که نام بافنده در آنها ذکر شده است + تعدادی از این پارچه ها جز پارچه های اهدایی به اکبر شاه گورکانی هند است + ۳۵۰ قطعه پارچه به اکبر شاه هدا می شود + در بین آنها نام دو بافنده یعنی عبدالله و خواجه غیاث الدین علی بکار رفته است + این احتمال وجود دارد که این نام نام طراح و یا حتی سفارش دهنده باشد.

ه- پارچه هایی با نقوش گل و گیاهان

در این طرح ها شکل انسانی یا حیوانی بکار نمی رفت + احتمالا از آنها برای مکان های مقدسی استفاده می شده است که بکار بردن نقوش حیوانی در آن ها حرمت داشته است.

و- پارچه هایی با طرح مشبک و گیاهان گل دار منفرد

این طرح مختص قالی های عهد صفوی و قالی های هند بوده است + اما به ندرت در زری ها یا مخمل های اواخر دوره صفوی هم دیده شده اند.

نکاتی در خصوص منسوجات افشاریه

در دوره افشاریه رنگ های ملایم تر جایگزین رنگ های درخشان صفوی شدند + تفاوت طرح و نقش پارچه های افشار با پارچه های انتهایی صفوی به قدری کم است که به سختی می توان آنها را از هم تشخیص داد

کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران